

و سلم بوجود آن روز در آن سال برین عروین قبیل فغانه کرد عا موز
برین روایت کند که درین عروین قبیل دین بود و فصلی و نیت
برستی را که در آن وقت از قوم خود بودی جستجو بود و خلاف
دین ایشان بی و درین وقت ایشان بی خودی وقت یا عا موز
خالدی قوم خود کرده ام و منا بنه دین و منا برهیم و اصحاب مکه
و ایشان روی مکه نماز میکردند و من شرطان طومر بیگری از
نسل ایشان مکه تا بوی ایمان آمد و نصدیق او کم و اتفاقا در عمر
ندادم که توان پیغمبر را در بای سلام من بودی برسان عا موز گفت چو
حضرت رساله علیه الصلوة والسلام بجهت گشت سلام وی
برسانیدم و حکایت بگفتم و فرمود که علیه السلام در رحمت الله در بهشت
او را دیدم که بخت می کرد و در آن روز زمین می کشید و در سال سی و نهم
از قول حضرت رساله صافات الله و سال الله علیه از غیب آواز ما
بی شنید و در شبی می دید و در سال چهل و نهم ما پیش از غیب
سری پر ویز از زمان بن مکه در بخت رفت او را قبل کرد و السلام
فصل سی و نهم در بیان آنچه در زمان نبوت و بعد از آن
حضرت رساله صافات الله و سال الله علیه در آن روز و در آن شب
باب اول در بیان آنکه در آن روز نبوت او پیغمبران
سالته علیه السلام و عا موز آنم همیشه عا موز در ظاهر حضرت رساله
علیه الصلوة والسلام مبارک بود و میمانند هنگام آن توویل شده و سلم

التبلیغ الشکر
مخراصا

کتاب
مکه
مکه

مکه

بن سلامه روایت کند که ما را بودی از نبی خدا لا شهل حساب بود
و بودی پیش از نبوت چون آن وقت که طهرین ایشان ترصد و در مجلس
قوم تو که بخت و قیامه و حساب و عذاب بگرد ایشان گشت
عالمه صدق این سخن باشد گفت پیغمبری از مکه می آید چاره
گشت گفت هنگام آن بی خودی گفت و اشارت من کرد که او ازین عالم
را غیباً بشود او را باید تسلط گشت و الله شب و روز منظر خود ما بود
اسالم فاین گفتم آن پیغمبر حصد بود و در کوفه یا مدینه بودی کم اری
فان تو این خبر را بودی چرا مسلمان بی نبوی گشت این تر دوست
و کافر برت و از علایم نبوت بی گشت که عا موز بی خودی روایت کند
سخن صحیحی از قوم ما گفت سبب اسلام من آن بود که ما بود که ما
تاب بود در محاربه بسیار می کردیم و ما اهل شرک و تو پر و ایشان
میگفتند نزدیک شد که پیغمبری بجهت شود و ما تا بعد از شورش و جفا
تماما که گفتم ما مستاصل شویم و بسیار این سخن از ایشان می شنیدیم
و چون حضرت رساله علیه الصلوة والسلام بجهت شد و صاف
او را بود و شنیدیم و در روزی مشاهیر کردیم ایمان آوردیم و منافع وی
کردیم و بود و در کوفه و حصد و صلاه با تهنه و آیه و ما عا موز رسول
من خدا را صدق ما محتم تا تاجی طلعت راه علی الکافران ایشان
ما و ایشان نازل شد و در عا موز من خود روایت کند که پیغمبری از نبی
توسل گشت پیغمبر جبرانی که سبب اسلام ما گشت پیغمبر و اصحاب

Copyright © King Fahd University